

موسی الرضا وحیدی^۱

مسئله انرژی اساس ماهیت روابط اتحادیه اروپا با روسیه را زیر سؤال برده و زمینه شکاف عمیق بین طرفین را فراهم کرده است. تلاش روزافزون مسکو برای کنترل تاسیسات و بازارهای انرژی در اروپای مرکزی می‌تواند پیامدهای درازمدت امنیتی برای اتحادیه اروپا در بر داشته باشد. آندری ایلارینوف^۲ مشاور سابق اقتصادی کرملین می‌گوید، تمایل روزافزون روسیه جهت استفاده از انرژی به عنوان سلاحی در روابط با کشورهای دیگر باید به عنوان هشدار برای دولتهای غربی به خصوص اتحادیه اروپا تلقی شود. در حقیقت روسیه از منابع انرژی خود برای کسب امتیاز سیاسی از همسایگان و رقبای این کشور استفاده می‌کند.

اجلاس غیر رسمی سران اتحادیه اروپا و روسیه در ۲۰ اکتبر ۲۰۰۶ (۲۸ مهرماه ۱۳۸۵) در شهر لاهتی فنلاند به منظور اتخاذ رویکرد مشترکی در زمینه انرژی برگزار شد. (<http://www.eurunion.org/A>) اما به دلیل منافع و ملاحظات متعارض طرفین بدون نتیجه مشخصی پایان یافت. قرار شد در نشست سران روسیه و اتحادیه اروپا در ۲۴ نوامبر ۲۰۰۶ (۳ آذرماه ۱۳۸۵) در بروکسل که به منظور تجدید موافقتنامه ده ساله همکاری و شراکت استراتژیک بین روسیه و اتحادیه اروپا برگزار می‌شد، طرفین در خصوص موضوع انرژی به توافق برسند، اما این اجلاس نیز به دلیل وتوی لهستان که امضای این موافقتنامه را مشروط به امضای منشور انرژی از طرف روسیه کرده بود، با شکست روبرو شد.

اساساً یکی از دغدغه‌های مهم برای اتحادیه اروپا، وابستگی آن در بخش انرژی است. بسیاری از پیش‌بینی‌ها حاکی است که از سال ۲۰۳۰ به بعد، این اتحادیه مجبور به واردات بیش از ۷۰ درصد انرژی خود خواهد بود و این به منزله آسیب پذیری آن در

۱. آقای موسی الرضا وحیدی از کارشناسان گروه مطالعات اروپا و آمریکا است.

2. Andrei Illarionov

رقابت‌های جهانی است و رویای رهبران اروپا را در تبدیل شدن به یکی از بلوک‌های مهم تأثیرگذار در جهان چندقطبی با تردید روبرو خواهد ساخت.

بعد از وقوع بحران گاز بین روسیه و اوکراین در اوایل سال ۲۰۰۶، دولت‌های اروپایی به تدریج به این نتیجه رسیدند که سیاست انرژی کرملین می‌تواند در درازمدت برای استقلال اروپا به‌ویژه کشورهای اروپای مرکزی و شرقی خطرناک باشد و زمینه نفوذ دوباره کرملین را در این مناطق در پی داشته باشد. لذا هدف رهبران اروپا دستیابی به یک قرارداد الزام آور با روسیه جهت عرضه با ثبات انرژی و فراهم کردن زمینه دستیابی شرکت‌های اروپایی به بازار انرژی این کشور و همچنین تنوع بخشیدن به منابع تأمین انرژی و مسیرهای انتقال آن و توجه به دو منطقه مهم خزر و خاورمیانه است.

انرژی چه جایگاهی در سیاست خارجی روسیه و اتحادیه اروپا دارد؟ پیامدهای سیاست انرژی روسیه برای اتحادیه اروپا کدام است؟ و سرانجام اینکه ایران چه نقشی می‌تواند در تأمین انرژی اروپا ایفاء نماید؟

برای پاسخ به این سئوالات و همچنین با توجه به نقش روزافزون مساله انرژی در توسعه اقتصاد جهانی و تبدیل آن به اولویت اول سیاست‌های امنیتی قدرتهای بزرگ جهانی و اهمیت فزاینده آن در گرایش‌های جدید ژئوپلیتیک که در تلاش برای کنترل منابع انرژی و مسیرهای انتقال آن و بلوک بندی‌های جدید متبلور شده است و اهمیت نحوه این تعاملات برای کشورمان که به عنوان یکی از بازارهای بالقوه تأمین انرژی اروپا مطرح است، در این نوشتار سعی می‌شود ضمن بررسی جایگاه انرژی در سیاست خارجی روسیه و اتحادیه اروپا، پیامدهای امنیتی سیاست انرژی روسیه برای اتحادیه اروپا، چشم‌انداز روابط طرفین در این زمینه و همچنین جایگاه ایران در تأمین انرژی اروپا، بررسی شود.

الف) ارزیابی دواجلس اکتر ونوامبر سران روسیه و اتحادیه اروپا: گسست در اروپا
ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در اجلاس اروپا و روسیه در تاریخ ۲۰ اکتبر

درخواست اتحادیه اروپا را برای لیبرالیزه کردن صنایع انرژی این کشور و تصویب منشور انرژی رد کرد و تعهد خاصی در خصوص گشایش صنایع انرژی این کشور بر روی شرکت‌های اروپایی نداد. (Euractive, 23/10/2006) در این اجلاس، رهبران اروپا خواستار تصویب منشور انرژی از سوی مسکو شدند تا زمینه دستیابی آزاد به منابع انرژی و خطوط انتقال این کشور فراهم شود. روسیه مخالف تصویب منشور مذکور نیست، اما خواستار اصلاح برخی از مواد آن است. از نظر کرملین تصویب آن در وضعیت کنونی، منجر به کاهش کنترل این کشور بر صنایع انرژی و تضعیف موضع آن در برابر غرب خواهد شد.

این اجلاس در زمانی برگزار شد که نگرانی در مورد استفاده روسیه از انرژی به عنوان یک سلاح بر ضد همسایگان خود و همچنین نقض حقوق بشر در این کشور افزایش یافته است. رهبران اتحادیه اروپا در خصوص ارتباط مساله انرژی با بهبود وضعیت حقوق بشر در روسیه اختلاف دارند (Bilefsky 2006)، برخی همچون فرانسه خواستار جدایی این دو موضوع از یکدیگر هستند، اما برخی از کشورهای اروپای شرقی همچون لهستان که احساسات ضد روسی و گرایش به کاخ سفید در دولت آنها کاملاً محسوس است، خواستار استفاده از اهرم حقوق بشر برای تحت فشار قرار دادن مسکو جهت تغییر سیاست انرژی این کشور می‌باشند.

به دلیل اختلاف طرفین در اجلاس لاهتی، قرار شد در اجلاس ۲۴ نوامبر ۲۰۰۶ بروکسل و در هنگام تجدید امضای موافقتنامه همکاری و شراکت استراتژیک بین روسیه و اتحادیه اروپا، طرفین در خصوص موضوع انرژی به توافق برسند، اما به دلیل اصرار هر یک بر مواضع خود و توی لهستان این اجلاس نیز بدون نتیجه خاتمه یافت. لهستان به دلیل تحریم واردات گوشت این کشور توسط روسیه، امضای موافقتنامه یادشده را مشروط به تصویب منشور انرژی توسط مسکو کرده بود. (Euracit, 24/11/2006)

ولادیمیر پوتین در اجلاس ۲۴ نوامبر هشدار داد (Kubosova 2006) که «نحوه برخورد اروپا با روسیه و افزایش سوءظن نسبت به رفتار این کشور در زمینه انرژی بجای برخورد با آن به

عنوان یک شریک استراتژیک، موجب تقسیم مجدد اروپا خواهد شد. وی ضمن اشاره به همکاریهای طرفین در زمینه‌های صنعتی، امنیتی و سیاست خارجی، روسیه را از نظر تاریخی و فرهنگی عضوی از خانواده اروپایی دانست و تاکید کرد که گذشته نباید عامل جدایی دوباره اروپا شود و ابراز امیدواری کرد که در سال ۲۰۰۷ موافقتنامه همکاری و شراکت استراتژیک بین طرفین امضاء شود». موافقتنامه مذکور در سال ۱۹۹۷ منعقد شد و در ۱ دسامبر ۲۰۰۷ منقضی می‌شود. (Emerson 2006)

در واقع علت اصلی شکست این دو اجلاس، نگرانی روزافزون در اتحادیه اروپا در خصوص سیاست‌های انحصار طلبانه و تهاجمی کرملین در زمینه انرژی است. رهبران اروپایی امیدوارند که کنار رفتن پوتین در سال ۲۰۰۸ از قدرت، زمینه پایان عصر اقتدار طلبی پسا یلتسینی در روسیه و شروع عصر نوینی در روابط طرفین را فراهم نماید. علیرغم نارضایتی از سیاست‌های مسکو، رهبران اروپا به دلیل منافع و گرایش‌های مختلف قادر به اتخاذ یک سیاست هماهنگ و مقتدرانه در قبال مسکو نبوده‌اند.

ب) روسیه و منشور انرژی

روسیه منشور انرژی^۱ را در سال ۱۹۹۱ با ۵۰ کشور امضاء کرد (Rettman 2006 a) اما تا کنون از تصویب آن خودداری کرده است. در این منشور بر سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در بازار و خطوط انتقال انرژی روسیه تاکید شده است. در صورت تصویب آن، انحصار کرملین بر منابع گازی این کشور و آسیای مرکزی شکسته خواهد شد. رهبران اتحادیه اروپا از دیرباز سعی داشته‌اند روسیه را قانع کنند این منشور را تصویب کند، اما هرگز موفق به این کار نشده‌اند. پوتین تلویحا بعد از اجلاس مشترک نوامبر با رهبران اروپا اظهار داشت که در صورت اصلاح برخی از مفاد این منشور، ممکن است این کشور آن را در آینده امضاء کند. (International Herald Tribune, 20/10/2006). در این اجلاس خوزه مانوئل باروسو، رئیس کمیسیون اروپایی نیز

1. Energy Charter Treaty (ECT)

خواستار اعتمادسازی طرفین نسبت به یکدیگر شد که تحقق آن نیازمند شفافیت، همکاری متقابل و بازارهای باز است. (Euractiv, 20/11/2006) در سند منشور انرژی تاکید شده است (a) (Retzman 2006) که مشارکت در مسایل انرژی میان اتحادیه اروپا و روسیه، باید بر اساس اصولی همچون عدم تبعیض، قابل پیش‌بینی بودن و امنیت عرضه گاز در طولانی مدت، دسترسی متقابل به بازار و زیرساخت‌ها و شفافیت متقابل برای سرمایه‌گذاری و با توجه به احترام به قوانین رقابتی و مفاد منشور انرژی استوار باشد.

ج) روسیه: انرژی ابزار کارآمد سیاست خارجی

روسیه به ویژه از دوره دوم ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین تلاش داشته است تا با استفاده از اهرم‌های مختلف، از جمله اهرم انرژی، ضمن بازسازی زیر ساخت‌های اقتصادی، موقعیت این کشور را به عنوان یک قدرت بزرگ در سیاست‌گذاری بین‌المللی تقویت نماید. پوتین با سیاست‌های مقتدرانه خود، کنترل دولت را بر شرکتهای دولتی و خصوصی نفت و گاز تشدید نموده و عملاً دولت را به تعیین‌کننده سیاست اقتصادی آنها تبدیل کرده است. هدف روسیه از تبدیل انرژی به ابزار سیاست خارجی و امنیتی، در کوتاه مدت احیای نفوذ این کشور بر جمهوری‌های شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی و مرکزی و معکوس کردن روند حرکت آنها در همگرایی بیشتر با ساختارهای غربی و ناتو و در درازمدت تضعیف نفوذ آمریکا در قاره اروپا می‌باشد.

راهبرد کرملین برای کنترل منابع انرژی و خطوط انتقال آن در اوراسیا و تبدیل این کشور به منبع انحصاری تأمین انرژی اروپا و کنترل نبض تپنده اقتصاد غرب، می‌تواند وزنه تعادلی در برابر اتحادیه اروپا و ناتو باشد. این سیاست می‌تواند بر امنیت اروپا در درازمدت تأثیرگذار باشد. اقدام روسیه در قطع انتقال گاز به اوکراین در اوایل سال ۲۰۰۶ میلادی به عنوان ابزاری سیاسی و در راستای اهداف ژئوپلیتیک موجب زنگ هشدار برای اروپا بود که حدود ۸۰ درصد گاز صادراتی روسیه به اروپا از مسیر این کشور می‌گذرد. جنگ جدید انرژی بین روسیه و بلاروس

در روزهای آغازین سال ۲۰۰۷ میلادی، بر سر بهای گاز صادراتی، نمود جدیدی از اهرم فشار روسیه برای کنترل بر مسیرهای انتقال انرژی است که باعث نگرانی اروپا شد. روسیه مقامات مینسک را تحت فشار گذاشته است تا با افزایش بهای گاز دریافتی از روسیه از ۴۵ دلار به ۲۰۰ دلار در هر هزار مترمکعب موافقت کنند و یا اینکه بهای ۱۰۵ دلار را بپذیرند و در مقابل ۵۰ درصد سهام سامانه خطوط لوله گاز «بلترانسگاز» خود را به گازپروم واگذار کنند. بلاروس در واکنش به اقدام روسیه تعرفه گمرکی ترانزیت محصولات نفتی روسیه از خاک این کشور به اروپا از طریق خط لوله دروژبا را افزایش داد (Euracit, 9/1/2007) که منجر به قطع صادرات موقتی نفت به اروپا و نگرانی رهبران اروپا شد. اگرچه سرانجام طرفین با امضای موافقتنامه بین نخست‌وزیران دو کشور به توافق رسیدند، (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵/۱۰/۲۳) اما به ادعای اکثر تحلیلگران هدف اصلی روسیه از این بحران، کنترل بر سامانه خطوط لوله گاز بلاروس بوده است.

اساساً جنگ گاز اخیر بین روسیه و بلاروس، بازتاب تغییر سیاست روسیه در استفاده از سلاح انرژی نیست، بلکه این کشور از دهه ۹۰ تلاش می‌کند برای تقویت سیاست امنیتی و خارجی خود در قبال همسایگانش از این ابزار استفاده نماید. در اوایل دهه ۹۰ نیز مسکو با قطع صادرات انرژی خود به عنوان اهرمی جهت توقف روند استقلال کشورهای بالتیک استفاده کرد. در سال ۹۳ نیز بعد از درخواست کشورهای بالتیک برای خروج نیروهای روسی از این کشورها، مجدداً روسیه از این سلاح استفاده کرد. در سالهای ۹۳ و ۹۴ نیز این کشور صادرات گاز به اوکراین را کاهش داد تا این کشور را تحت فشار قرار دهد تا آزادی بیشتری به ناوگان دریایی روسیه در دریای سیاه و آزادی عمل بیشتری به شرکت‌های روسی جهت نفوذ در تاسیسات نفتی این کشور بدهد. (Smith 2006 a)

کشورهای بلاروس، مجارستان و لیتوانی نیز در سال ۲۰۰۴ با کاهش واردات انرژی از روسیه به هدف تلاش کرملین برای کنترل سیستم خط لوله انرژی این کشورها مواجه شدند. در سالهای ۹۸ تا ۲۰۰۰ نیز روسیه به منظور تحت فشار قرار دادن لیتوانی که قصد داشت خطوط

لوله، پالایشگاه و امکانات بندری خود را به یک شرکت آمریکایی واگذار نماید؛ صادرات انرژی را به این کشور متوقف کرد. (Smith 2006 a)

در دو سال گذشته، روسیه انتقال نفت قزاقستان به لیتوانی را از طریق این کشور متوقف کرد. هدف تلاش برای کنترل بندر نفتی ونتسپیل^۱ بود و اکنون نیز کرملین تلاش می‌کند تا از فروش پالایشگاه و تاسیسات نفتی در بندر بوتینگ^۲ در این جمهوری به شرکت‌های غیر روسی جلوگیری به عمل آورد. گاز پروم همچنین در سال ۲۰۰۶ به منظور تنبیه دولت غرب‌گرای حاکم بر گرجستان، قیمت گاز صادراتی به این جمهوری را دو برابر کرد. (Smith 2006 a)

سیاست روسیه در استفاده از اهرم انرژی و چهار برابر کردن قیمت گاز انتقالی از ۵۰ دلار به ۲۳۰ دلار در هر هزار مترمکعب برای تغییر جهت روند تحولات ناشی از انقلاب نارنجی در اوکراین و تنبیه یوشنکو رئیس جمهور غرب‌گرای این کشور که سرانجام به بازگشت یانکوویچ نامزد طرفدار روسیه به نخست‌وزیری یک سال بعد از عزل وی منجر شد، در این زمینه قابل ارزیابی است.

در اواخر سال ۹۹ وقتی پوتین به قدرت رسید، علاقمندی خود را برای توسعه همکاری انرژی با آمریکا و اروپا و استقبال از سرمایه‌گذاری شرکت‌های نفتی غرب در صنایع نفت و گاز این کشور اعلام کرد و متعاقب آن همکاری شرکت‌های غربی در روسیه هر چند به صورت محدود آغاز شد. در دوره دوم ریاست جمهوری پوتین، امید، برای توسعه همکاری‌های زیاد شده بود اما دستگیری خودروسکی، رئیس شرکت یوکوس و مصادره این شرکت که با چند شرکت غربی همکاری می‌کرد به حضور شرکت‌های غربی در روسیه خاتمه داد.

توماس فریدمن^۳ نویسنده نیویورک تایمز معتقد است (Kurdelchuk and et al 2005) که اختلافات روسیه و اروپا بر سر مسایل انرژی، شروع جنگ سرد جدیدی است که اروپا را یکبار دیگر پس از فروپاشی دیوار برلین، تقسیم کرده است. نامبرده به نقل از خوزه جوف^۴

1. Ventspils

2. Butinge

3. Thomas L.Friedman

4. Jose Joffe

نویسنده کتاب «ابر قدرت: وسوسه‌های امپراتور وار آمریکا» می‌نویسد که تأثیر روسیه بر اروپای غربی به واسطه خطوط گاز، بسیار بیشتر از تأثیری است که موشک‌های دوربرد این کشور دارد. اساساً بعد از فروپاشی شوروی، غرب تلاش کرده است با گسترش ناتو، کرملین را تحت فشار قرار دهد، اما اکنون روسیه سعی می‌کند با استفاده از اهرم انرژی و ایجاد یک کارتل گازی و در واقع تشکیل ناتوی انرژی، غرب را از حوزه ژئوپلتیک این کشور به تدریج عقب براند.

د) پیامدهای امنیتی سیاست کرملین برای اتحادیه اروپا: وابستگی یا وابستگی متقابل

مسئله انرژی اساساً ماهیت روابط اتحادیه اروپا با روسیه را زیر سؤال برده و زمینه شکاف عمیق بین طرفین را فراهم کرده است. تلاش روزافزون مسکو برای کنترل تاسیسات و بازارهای انرژی در اروپای مرکزی می‌تواند پیامدهای درازمدت امنیتی برای اتحادیه اروپا در بر داشته باشد. آندری ایلارینوف مشاور سابق اقتصادی کرملین می‌گوید، (Friedman 2006) تمایل روزافزون روسیه جهت استفاده از انرژی به عنوان سلاحی در روابط با کشورهای دیگر باید به عنوان هشدار برای دولت‌های غربی به خصوص اتحادیه اروپا تلقی شود. در حقیقت روسیه از منابع انرژی خود برای کسب امتیاز سیاسی از همسایگان و رقبای این کشور استفاده می‌کند. روسیه، با دارا بودن ۱۶۹۴/۴ میلیارد فوت مکعب ذخایر گازی و تولید سالانه ۵۹۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی (حدود ۲۲٪ کل گاز تولیدی جهان) و با دارا بودن ذخایر نفتی برابر با ۷۲/۳ میلیارد بشکه (۱/۶٪ از کل منابع نفت خام جهان) و تولید بیش از ۷ میلیون بشکه در روز، اهمیت زیادی در تأمین انرژی اروپا ایفاء می‌کند. خطوط انتقال گسترده منابع انرژی آن به اروپا به عنوان ابزارهای قدرت سیاسی و امنیتی این کشور عمل می‌کنند. (Amsterdam and Illarionov 2006)

در جدول زیر سهم روسیه در تأمین نفت و گاز کشورهای اروپای مرکزی و شرقی نسبت به کل مصرف آنها نشان داده شده است که نمایانگر میزان وابستگی قابل توجه اروپا به روسیه

نام کشور	گاز	نفت خام
آلمان	۳۵ درصد (ژانویه ۲۰۰۶)	۳۱ درصد (۲۰۰۳)
لهستان	۴۲ درصد (ژانویه ۲۰۰۶)	۹۱ درصد (۲۰۰۲)
اوکراین	۳۹ درصد (۲۰۰۱)	۶۱ درصد (۲۰۰۳)
لیتوانی	۱۰۰ درصد (ژانویه ۲۰۰۶)	۹۰ درصد (۲۰۰۴)
بلاروس	۹۴ درصد (۲۰۰۴)	۷۵ درصد (۲۰۰۴)
لتونی	۱۰۰ درصد (ژانویه ۲۰۰۶)
استونی	۹۰ درصد (ژانویه ۲۰۰۶)
اتریش	۵۹ درصد (ژانویه ۲۰۰۶)
بلغارستان	۱۰۰ درصد (ژانویه ۲۰۰۶)
کرواسی	۴۰ درصد (ژانویه ۲۰۰۶)
فرانسه	۲۴ درصد (ژانویه ۲۰۰۶)
یونان	۷۰ درصد (ژانویه ۲۰۰۶)
مجارستان	۶۵ درصد (ژانویه ۲۰۰۶)
ایتالیا	۳۶ درصد (ژانویه ۲۰۰۶)
مولداوی	۱۰۰ درصد (ژانویه ۲۰۰۶)
رومانی	۲۵ درصد (ژانویه ۲۰۰۶)
بریتانیا	۲ درصد (ژانویه ۲۰۰۶)
اسلواکی	۱۰۰ درصد (ژانویه ۲۰۰۶)

در روسیه خطوط انتقال گاز در انحصار شرکت گازپروم^۱ و خطوط انتقال نفت در انحصار شرکت ترانزنفنت^۲ است و سیاست آنها نیز توسط افسران سابق کا.گ.ب. طراحی و هدایت می‌شود. (Smith 2006 a, Sylvestre 2006) گازپروم ۲۵ درصد ذخایر گازی جهان را در اختیار دارد و ۹۴ درصد گاز روسیه را تولید می‌کند. (Smith 2005 b) این شرکت یک چهارم بازار انرژی اروپا را از مسیر اوکراین و بلاروس تأمین می‌کند. روسیه می‌تواند نفوذ خود را در بازار انرژی اروپا و همچنین اهرم سیاسی خود را در اروپا از طریق ساخت خط لوله انتقال گاز از زیر دریای بالتیک به اروپا افزایش دهد. (<http://www.gazprom.ru/C>) قرارداد احداث این خط لوله که به طرح خط لوله اروپای شمالی مشهور است در سال ۲۰۰۵ بین روسیه و آلمان به طول حدود ۱۲۰۰ کیلومتر و ۵ میلیارد دلار هزینه تقریبی امضاء شد. با احداث این خط لوله، انتظار می‌رود که روسیه نقش مهمتری را در صادرات سوخت به آلمان و سایر کشورهای اروپایی ایفاء کند. برخی کشورهای اروپای شرقی همچون لهستان از احداث این خط لوله ناراضی هستند چون زمینه وابستگی بیشتر اروپا را به روسیه به همراه خواهد داشت.

میزان وابستگی روسیه و اروپا به یکدیگر چه میزان است؟ روسیه تکنولوژی و سرمایه لازم را برای توسعه صنعت انرژی این کشور ندارد و به غرب وابسته است. انرژی نقش مهمی در توسعه اقتصادی روسیه ایفاء می‌کند و به درآمد فروش آن به اروپا نیاز دارد. این کشور ۴۰ درصد بودجه خود را از طریق سرمایه‌های وارده از اروپا تأمین می‌کند. اتحادیه اروپا نیز برای واردات حدود ۲۵ درصد نفت (۳۰ درصد کل واردات) و ۲۵ درصد گاز (۵۰ درصد کل واردات آن) به روسیه وابسته است. (<http://www.eegas.com/D>) این اتحادیه ۴۶ درصد گاز و ۲۱ درصد نفت مورد نیاز خود را تولید می‌کند و بقیه نیاز انرژی آن از خارج به‌ویژه از روسیه تأمین می‌شود.

اروپا مهمترین شریک اقتصادی روسیه است. حجم مبادلات تجاری روسیه با اروپا طی ماه‌های ژانویه تا اوت سال ۲۰۰۶ بالغ بر ۱۴۹ میلیارد و ۶۸۷ میلیون دلار بوده است که بخش

1. Gazprom

2. Transneft

اعظم آن را صادرات انرژی تشکیل می‌دهد. بنابراین طرفین به یک میزان به یکدیگر وابسته هستند و این نوعی وابستگی متقابل است. (Euracti, 28/11/2005)

برخی مدعی هستند که وابستگی بیشتر اتحادیه اروپا به منابع انرژی روسیه، اروپا را در روابط با این کشور محدود می‌کند و این اتحادیه نمی‌تواند روسیه را به دلیل نقض حقوق بشر و اصول دموکراسی و آزادی مطبوعات، بیش از حد مورد انتقاد قرار دهد.

بر اساس پیش‌بینی رسمی مقامات اروپایی این اتحادیه در سال ۲۰۳۰ بیش از ۷۰ درصد انرژی خود را از خارج وارد می‌کند. (Euractiv, 28/11/2005) لذا به گفته کمیسیون انرژی اتحادیه اروپا، کشورهای اروپایی به شدت نگران تأمین امنیت انرژی خود طی سال‌های آینده هستند. واکنش اروپا در این خصوص چگونه خواهد بود؟ ارزیابی اظهارات مقامات و مواضع نهادهای اروپایی، نشانگر اتخاذ رویکردهای زیر می‌باشد:

- افزایش میزان بهره‌وری انرژی؛

- سرمایه‌گذاری بیشتر در تولید انرژی‌های جایگزین و تجدیدپذیر؛

- تنوع‌سازی در منابع و مسیرهای انتقال انرژی؛

- توجه بیشتر به منابع انرژی حوزه خزر و خاورمیانه.

نخست وزیر دانمارک بر آن است (Euractiv, 28/11/2005) که «کاهش واردات انرژی از روسیه باید در اولویت برنامه‌های اتحادیه اروپا قرار گیرد و اتحادیه اروپا بایستی انرژی مورد نیاز خود را تا حد ممکن از انرژی‌های تجدیدپذیر تأمین کند و وابستگی خود به واردات نفت و گاز از روسیه را، که از انرژی به عنوان یک سلاح مؤثر در رویارویی با اروپا استفاده می‌کند، کاهش دهد». هوگس مینگارلی، مدیر بخش اروپای شرقی، قفقاز و آسیای مرکزی «کمیسیون اروپا» بر آن است (روزنامه سرمایه، ۸۵/۷/۲۹) که هدف اصلی اتحادیه اروپا تقویت امنیت عرضه انرژی است و برای رسیدن به این هدف بایستی ضمن ایجاد تنوع در منابع تأمین انرژی، مسیرهای حمل و نقل انرژی را نیز متنوع سازد.

روسیه در واکنش به راهبرد اروپا نیز بارها اعلام کرده است که قصد دارد منابع انرژی خود را روانه بازارهای نوظهور آسیایی همچون چین، هند و ژاپن کند و قراردادهایی را نیز با آنها برای احداث خطوط لوله و فروش نفت و گاز امضاء کرده است. (همشهری، ۱۳۸۵/۷/۱۰)

ویتولد سوبکوف^۱ وزیر اروپایی لهستان در یک مصاحبه با خبرگزاری Eu Observer قبل از اجلاس نوامبر اعلام کرده بود. (PINR, 17/11/2006) که در صورتی که روسیه از تصویب منشور انرژی خودداری نماید این کشور امضای پیمان شراکت استراتژیک با روسیه را تو خواهد کرد (سرانجام و تو نیز کرد). این کشور خواستار کشیدن یک خط لوله از طریق اوکراین و دریای سیاه به دریای خزر است تا از وابستگی به روسیه کاسته شود.

ه) انرژی: اولویت اول سیاست خارجی اتحادیه اروپا

یکی از پیامدهای مهم رقابتهای جدید ژئوپلتیک بین روسیه، آمریکا و تا حدودی کمتر چین جهت کنترل و دستیابی به منابع انرژی و مسیرهای انتقال آن، تبدیل انرژی به اولویت اول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در روابط با کشورهای همسایه و مناطقی چون خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز است. کمیسیون اروپا پیش‌بینی کرده است که تا سال ۲۰۳۰ حدود ۷۰ درصد انرژی اروپا از خارج وارد می‌شود. اکنون ۴۵ درصد نفت اروپا از خاورمیانه وارد می‌شود، اما تا سال ۲۰۳۰ این میزان به ۹۰ درصد خواهد رسید. ۴۰ درصد گاز اروپا از روسیه ۳۰ درصد از الجزایر و ۲۵ درصد از نروژ وارد می‌شود، اما تا سال ۲۰۳۰ این میزان به ۸۰ درصد بالغ خواهد شد که ۶۰ درصد آن از روسیه خواهد بود. (Rettman 2006 b) به دلیل اهمیت مساله انرژی است که در اجلاس مشترک سران روسیه و اروپا در ماههای اکتبر و نوامبر و همچنین در اجلاس سران هشت کشور صنعتی در سن پترزبورگ در ماه ژوئیه ۲۰۰۶، انرژی موضوع اصلی بحث سران بود. بنیتا والدنر^۲ کمیسیار روابط خارجی اتحادیه اروپا اعلام کرده است

1. Witold Sobkow

2. Benita Ferrero-Waldner

(Euractiv 16/11/2006) که طرحی به کمیسیون اروپا در اواخر سال جاری میلادی ارائه خواهد شد که اروپا روابط خودش در موضوعات مربوط به انرژی را در تمامی جنبه‌های روابط با کشورهای همسایه هماهنگ خواهد کرد. وی تاکید کرد که این کمیسیون به دنبال توسعه بازارهای انرژی زیر منطقه‌ای در اروپا، حوزه خزر و آسیای مرکزی و قفقاز و تقویت همکاری با کشورهای اوکراین، مولداوی و بلاروس است. هدف همگرایی این بازارها با بازار اروپا و تشکیل خانه مشترک انرژی بین اروپا، حوزه مناطق دریای سیاه و حوزه خزر است. هدف دیگر این طرح، توسعه موافقتنامه جامعه انرژی^۱ است. در حال حاضر کشورهای اروپای شرقی عضو این جامعه هستند، اما قرار است ترکیه، مولداوی و نروژ نیز به عنوان ناظر در آن پذیرفته شوند.

خوزه مانوئل بارسو^۲ رئیس کمیسیون اروپا نیز مدعی است (Euractiv, 20/11/2006) که از سال ۲۰۰۷ به بعد انرژی موضوع اصلی روابط این اتحادیه با کشورهای همسایه خواهد بود. در سیاست جدید به نقش حیاتی که کشورهای همسایه در امنیت انرژی این اتحادیه چه به عنوان تأمین کننده انرژی و چه به عنوان کشور ترانزیت کننده دارند، اهمیت زیادی داده می‌شود. در طرح جدید به دو کردیدور استراتژیک ترانس خزر و دریای سیاه که شامل جمهوری آذربایجان و قزاقستان نیز خواهد شد، اهمیت زیادی داده خواهد شد و تلاش می‌شود تا همکاری روسیه و آمریکا نیز در این زمینه جلب شود.

در مارس ۲۰۰۶ کمیسیون انرژی اتحادیه اروپا، منشور سبز انرژی^۳ را منتشر کرد که در آن بر افزایش امنیت انرژی و همچنین هماهنگی کشورهای عضو به منظور اتخاذ سیاست خارجی هماهنگ در خصوص انرژی تاکید شده است. این رویکرد قدرت چانه‌زنی این اتحادیه را در زمینه انرژی در برابر روسیه و دیگر کشورهای صادر کننده انرژی افزایش خواهد داد. (Euractiv, 20/11/2006)

1. The Energy Community treaty
3. A Green Chart on Energy

2. Jose Manuel Barroso

و) جایگاه ایران در تأمین انرژی اروپا: ایران ابرقدرت انرژی

یکی از اهداف مهم اتحادیه اروپا، کاهش وابستگی به روسیه در زمینه انرژی و یافتن منابع و مسیرهای جایگزین است. در این راستا حوزه خزر و خاورمیانه از اهمیت فزاینده‌ای برای اروپا برخوردارند. ایران با توجه به موقعیت ویژه ژئوپلتیک که در این دو منطقه دارد و همچنین ذخایر عظیم نفت و گاز می‌تواند نقش مهمی ایفاء نماید. گزارش منتشر شده از سوی کمیسیون اروپایی بر اهمیت افزایش واردات انرژی از مدیترانه، دریای سیاه، خزر، خاورمیانه و ناحیه خلیج فارس تأکید دارد. ترکیه در این میان به دلیل عبور لوله‌های نفت و گاز از منطقه دریای خزر و آسیای مرکزی به عنوان دروازه ورود انرژی به اروپا محسوب می‌شود. (Euractiv, 15/12/2006)

یکی از دلایل حمایت برخی از کشورهای اروپایی از عضویت آنکارا در اتحادیه اروپا، اهمیت این کشور در این خصوص است.

در حالی که در قرن ۲۱، انرژی به یکی از مؤلفه‌های اصلی تعیین قدرت و جایگاه کشورها در عرصه جهانی تبدیل می‌شود، لازم است انرژی به اولویت اول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود. ایران علیرغم برخورداری از ذخایر عظیم انرژی و موقعیت ویژه ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک در دو منطقه یادشده به دلیل مخالفت‌های آمریکا و رقابت کشورهای چو روسیه و ترکیه نتوانسته است از این مولفه قدرت خود به درستی در راستای اهداف و منافع ملی و افزایش موقعیت خود در عرصه جهانی استفاده نماید. به دلیل مخالفت آمریکا و رقابت روسیه، مسیر اصلی انتقال انرژی خزر به جای ایران که اقتصادی ترین و کوتاه‌ترین مسیر است، به مسیر باکو - جیهان تغییر یافته و انرژی خزر از آن مسیر روانه بازارهای جهانی شد.

یکی از اهداف ساخت خط لوله مذکور که جمهوری آذربایجان را در دریای خزر به ساحل شرقی مدیترانه‌ای ترکیه وصل کرد، کاهش وابستگی انرژی اروپا به دو منطقه حساس خاورمیانه و روسیه بود. هدف تغییر توازن قدرت و ژئوپلتیک انرژی در این منطقه و اتصال کشورهای چو جمهوری آذربایجان، قزاقستان و گرجستان به غرب بود. در حالی که برخی از کارشناسان

کشورمان با قاطعیت پیش‌بینی می‌کردند که این خط لوله توجیه اقتصادی ندارد و تحقق نخواهد یافت، سرانجام در می ۲۰۰۵ افتتاح شد. (Euractive, 25/5/2005)

اوکراین یکی از کشورهای علاقمند به انتقال گاز ایران از مسیر ارمنستان، گرجستان و در نهایت به اروپا است. احداث خط لوله گاز ایران به ارمنستان که قرار است در آینده نزدیک بهره‌برداری شود، افق‌های جدیدی برای گسترش آن به اروپا فراهم کرده است، اما روسیه با احساس خطر، اقدام به خرید سهم خط لوله ارمنستان کرده است. روسیه نگران احداث خط لوله از ایران به اروپا به جز از مسیر این کشور است و آن را تضعیف موقعیت خود در اروپا می‌داند.

در شرایط کنونی جهان، امنیت و منافع ملی کشورهایی چون ایران به میزان ایفای نقش آنها در تأمین امنیت جهانی انرژی بستگی دارد. لذا ضرورت اتخاذ سیاست‌های منطقی و کارآمد از سوی کشورمان برای تقویت جایگاه خود در تأمین انرژی دو منطقه مهم اروپا و شرق آسیا که از قدرتهای آینده جهان محسوب می‌شوند، از مسیرهای مختلف ضروری احساس می‌شود. ایران به دلیل موقعیت ویژه در دو منطقه حساس نفتی خزر و خلیج فارس و ذخایر عظیم انرژی در صورت اتخاذ یک استراتژی منطقی می‌تواند به یکی از قدرتهای برتر جهان تبدیل شود. روند پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که از سال ۲۰۱۰ میزان تقاضا برای نفت خام اوپک و خاورمیانه به طور جدی رو به افزایش خواهد بود. (صادقی، ۱۳۸۵) در چنین شرایطی، دو حوزه خزر و خلیج فارس به یکی از عمده‌ترین مراکز اصلی توجه و رقابت سیاست‌های جهانی تبدیل خواهند شد.

در راستای توجه به منطقه خزر، دومین اجلاس همکاریهای انرژی اتحادیه اروپا با کشورهای حوزه دریای خزر و دریای سیاه تحت عنوان ابتکار باکو با شرکت وزرای انرژی کشورهای عضو (ارمنستان، جمهوری آذربایجان، بلاروس، گرجستان، قزاقستان، قرقیزستان، مولداوی، تاجیکستان، ترکیه، اوکراین، ازبکستان و روسیه) در تاریخ ۳۰ نوامبر ۲۰۰۶ در آستانه، پایتخت قزاقستان برگزار شد (اجلاس قبلی در نوامبر ۲۰۰۴ در باکو برگزار شده بود). در اجلاس آستانه شرکت کنندگان در خصوص استراتژی مشترک در زمینه انرژی و همچنین نقشه جدید راه انرژی به توافق رسیدند که زمینه همکاری درازمدت اروپا و کشورهای حوزه خزر و دریای

سیاه را در چارچوب یک بازار مشترک فراهم خواهد کرد. اندری پیلباگ کمیسیار انرژی اروپا در این زمینه اظهار داشت که این اجلاس، زمینه همگرایی این مناطق با اروپا را در موضوع انرژی فراهم خواهد ساخت. (European Union, 30/11/2006)

خط لوله نوباکو توسط اتحادیه اروپا به منظور ترانزیت نفت از حوزه خزر به این اتحادیه و کاهش وابستگی آن به گاز روسیه طراحی شده است. کمیسیار انرژی اروپا، اندری پیلباگ^۱ در تاریخ ۲۶ ژوئن یک بیانیه مشترک با وزرای انرژی کشورهای که در مسیر این خط لوله واقع شده‌اند، یعنی ترکیه، بلغارستان، رومانی، مجارستان و اتریش امضا کرد. (Euractiv, 27/6/2006) اروپا علاوه بر حمایت سیاسی از احداث این خط لوله، کمک‌های مالی جهت مطالعات امکان‌سنجی آن به عمل می‌آورد. این خط لوله به طول ۳۴۰۰ کیلومتر از مرز ایران و ترکیه شروع و از شرق اروپا عبور خواهد کرد و قادر است از کشورهای چوچ جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و ایران به اروپا گاز منتقل نماید. قرار است تا سال ۲۰۱۲ این خط لوله تکمیل شود. (Euractiv, 18/1/2006) در واقع این خط لوله، اروپا را به ذخایر عظیم گازی در خاورمیانه و خزر وصل خواهد کرد.

کمیسیون اروپا نیز با انتشار گزارشی پیرامون امنیت انرژی کشورهای اروپایی، اعلام کرده است، ایران در کنار روسیه از مهم‌ترین منابع تأمین انرژی اروپا در آینده خصوصاً در زمینه گاز خواهد بود. با توجه به یکجانبه‌گرایی روسیه در مبادلات انرژی با اروپا، ایران گزینه جدی برای کاهش وابستگی اروپا به منابع انرژی روسیه محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

به دلیل استفاده روسیه از انرژی به عنوان ابزار پیشبرد اهداف سیاست خارجی و امنیتی، اتحادیه اروپا به تدریج به دنبال کاهش وابستگی خود در زمینه انرژی به این کشور است. یکی از پیامدهای مهم این رویکرد، تبدیل انرژی به اولویت اول سیاست خارجی این اتحادیه در روابط با

1. Commissioner Andris Pielbags

دیگر کشورهای جهان و توجه آن به دو منطقه خزر و خاورمیانه است که جمهوری اسلامی ایران در هر دو منطقه جایگاه محوری دارد.

اروپا به تدریج به این نتیجه رسیده است که روسیه در آینده قابل پیش بینی منشور انرژی را تصویب نخواهد کرد، لذا به دنبال همکاری با این کشور در زمینه انرژی بر اساس موافقتنامه شراکت و همکاری استراتژیک می باشد که قرار است در سال ۲۰۰۷ تصویب شود. در واقع دیالوگ انرژی روسیه و اروپا از سال ۲۰۰۰ شروع شده است. مبنای آن کاهش وابستگی روز افزون اروپا به روسیه، تضمین امنیت انرژی و دستیابی به بازار انرژی این کشور و راههای انتقال آن است ولی تاکنون به دلیل ملاحظات و منافع متضاد طرفین، این دیالوگ به نتیجه نرسیده و با نوعی شکاف روبرو می باشد. روابط روسیه و اروپا در خصوص انرژی به دیگر عرصه های روابط دو طرف به خصوص جنبه های اساسی اقتصادی و امنیتی گره خورده است. شرکت های غربی کمیسیون اروپا را تحت فشار قرار می دهند که به یک راه حل عملی با روسیه برسد و زیاد بر تصویب منشور انرژی پافشاری نکند. کوشش در جهت سیاستی مشخص و روشن، نسبت به روسیه در دستور کار کشورهای عضو اتحادیه اروپا قرار گرفته است.

قرار است اتحادیه اروپا در اوایل سال ۲۰۰۷ میلادی اولین سند استراتژی خود را در زمینه انرژی منتشر نماید که مبنای سیاست انرژی اتحادیه اروپا قرار خواهد گرفت. هدف این استراتژی ارائه چشم انداز کوتاه و بلند مدت از توسعه انرژی های پاک و قابل تجدید و کاهش اتکاء به انرژی های فسیلی و توجه به دو منطقه خزر و خاورمیانه می باشد. (Euractiv, 9/11/2006)

دو دهه قبل برخی از تئورسین های روابط بین الملل پیش بینی می کردند که جنگ های قرن بیست و یکم بر سر منابع به ویژه انرژی رخ خواهد داد. لذا می توان رفتار یک جانبه گرا و استراتژی جنگ پیش دستانه دولت نو محافظه کار آمریکا و طرح خاورمیانه گسترده و حمله به عراق و افغانستان را در این راستا ارزیابی کرد. هدف اصلی کاخ سفید تسلط بر منابع انرژی خاورمیانه و تثبیت هژمونی جهانی این کشور و کنترل شریان اقتصادی رقبای احتمالی آینده یعنی اتحادیه اروپا، روسیه و چین است. هم اینک انرژی به ابزار اصلی سیاست خارجی و امنیتی

روسیه و اولویت اول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در روابط با کشورهای همسایه به ویژه حوزه خزر، دریای سیاه و خاورمیانه تبدیل شده است. انرژی مبنای اصلی گسترش روابط چین با کشورهای خاورمیانه، آفریقا و آمریکای لاتین است.

در چنین شرایطی ایران با برخورداری از ذخایر عظیم گازی با حدود ۲۷/۵ تریلیون متر مکعب گاز برای تقویت نقش موثر منطقه‌ای و بین‌المللی خود نیازمند توجه بیشتر به موضوع انرژی و استفاده از تمامی مزیت‌های سرزمینی خود است. در صورت غفلت از این موضوع نه تنها از یکی از موثرترین اهرم‌های تأثیرگذار قدرت جهانی در آینده محروم خواهد شد، بلکه یکی از مهمترین رکن‌های توسعه اقتصادی خود را نیز از دست خواهد داد.

یکی از اهداف راهبردی آمریکا در روابط با اتحادیه اروپا، جلوگیری از تبدیل آن به وزنه مهمی در معادلات جهانی در برابر این کشور است. (وحیدی، ۱۳۸۵) لذا به دنبال استراتژی گسست در اروپا و طرح سیاست «اروپای جدید» در برابر «اروپای قدیم» است. تلاش کاخ سفید برای گسترش روزافزون نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی در اروپای شرقی و انتقال پایگاه‌های نظامی خود از غرب به این منطقه که منجر به تقویت موضع آمریکا در ناتو شده است، در این راستا قابل ارزیابی است. صادرات گاز ایران به مناطق شرقی و مرکزی اروپا زمینه تضعیف مانورهای آتی احتمالی آمریکا علیه کشورمان را از طریق اروپا و همچنین تقویت هویت مستقل اروپای واحد را در برابر آمریکا فراهم خواهد ساخت. به دلیل مخالفت روسیه با انتقال گاز ایران به اروپا به دلایل ژئوپلتیک، ایران باید با کمک اروپا و کشورهای ذینفع در مسیر این خطوط لوله، نسبت به جذب سرمایه‌گذاری و احداث خطوط انتقال گاز اقدام نماید، اگر چه تحقق این موضوع به دیگر عرصه‌های روابط ایران با جهان غرب در سطح کلان و حل پرونده هسته‌ای ارتباط دارد. نگاه و سیاست‌های قدرتهای بزرگ به مساله انرژی بیشتر امنیتی تا اقتصادی است، لذا برنامه‌ریزی برای ایجاد وابستگی اروپا و شرق آسیا به انرژی کشورمان، زمینه وابستگی سیاسی و امنیتی آنها را نیز در پی خواهد داشت.

فهرست منابع

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۸۵/۱۰/۲۳.
۲. روزنامه سرمایه، ۸۵/۷/۲۹.
۳. صادقی، محمدعلی، (۱۳۸۵/۷/۱)، «امنیت انرژی، اولویت نخست توسعه»، شبکه اطلاع‌رسانی نفت و گاز ایران، ۸۵/۷/۱.
۴. وحیدی، موسی‌الرضا، (تیرماه ۱۳۸۵)، «اهداف ریاست فنلاند بر اتحادیه اروپا: اتحادیه‌ای کارآمد و شفاف»، بولتن دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، شماره ۱۹۹، تیرماه ۱۳۸۵.
۵. همشهری، (۱۳۸۵/۷/۱۰).
6. A: European Union, (21 October 2006), <http://www.eurunion.org/news/home.htm>.
7. B: Eu, Russia Energy, Dialogue, *Euractiv*,
<http://www.euractiv.com/en/energy/eu-russia-energydialogu/article-150061>
8. C: <http://www.gazprom.ru/eng>
9. D: East European Gas Analysis, <http://www.eegas.com/>
10. Amsterdam and Illarionov on Russia's, (20 November 2006), "Russia's Energy Policy", *Worldpress*.
11. Bilefsky, Dan (20 October 2006), "Putin reject EU demands that Russia Ratify Energy Charter", *International Herald Tribune*.
12. Emerson, Michael (May 2006), "A New Agreement Between the EU and Russia Why and Why and When", *GEPS Policy Brief*
13. *Euractiv*, (16/11/2006), "Geopolitics of EU Energy Supply".
14. *Euractiv*, (20/11/2006).
15. *Euractiv*, (15/12/2006), "Energy Green Paper: What energy policy for Europe".
16. *Euractiv*, (25/5/2005), "Caspian Region-The Baku-Tbilis (BTC) oil Pipeline".
17. *European Union* (30/11/2006), "The EU and the Countries of the Black Sea and Caspian Sea Regions Agree on a Common Energy Strategy".
18. *Euractiv*, (27/4/2006), "New Pipeline Edges EU Closer to Caspian Gas".
19. *Euractiv*, (18/1/2006), "EU Seeks New Supply Routes in Wake of Russia-Ukraine Gas Row".
20. *Euractiv*, (23/10/2006), "EU, Russia Make Slow Progress on Energy".

21. *Euractiv*, (24/11/2006), "EU, fails unity test ahead of Russia Summit".
22. *Euractiv*, (9/1/2007), "EU Caught in Middle of Russia-Belarus Oil Dispute".
23. *Euractiv*, (28/11/2005), "EU-Russia Dialogue".
24. *Euractiv*, (20/11/2006), "Energy Makes Headway in EU Foreign Policies".
25. *Euractiv*, (9/11/2006), "Commission Welcomes IEA's World Energy Outlook as a Useful Tool for the Development of the European Energy Policy".
26. Friedman, Thomas I. (25 October 2006), "The Reality Cold War", *Politika Erotika*.
27. *International Herald Tribune*, (20/10/2006).
28. Kurdelchuk, Daniel, Milinovsky, Alexander, and Novak, Inna, (23 December 2005), "A European Approach to Ukraine's Gas Dilemma: Road map to solve the dilemma", *Mirror-Weekly, International Social Political Weekly*, No. 49.
29. Kubosova (22/11/2006), "Putin Warns Against Fresh Divisions in Europe", *Euobserver*.
30. *PINR: The Power and Interest News Report* (17/11/2006), "Economic Brief: The Uneasy Russia-Eu energy Relationship".
31. Rettman, Andrew, (17/10/2006 a), "EU losing faith in Russia energy Charter Scheme", *Euobserver*.
32. Rettman, Andrew, (10/11/2006 a), "Warsaw threatening to veto new EU-Russia Pact", *Euobserver*.
33. Smith, Keith (January 2006 a), "Security Implications of Russian Energy Policies", CEPS Policy Brief, No. 90.
34. Sylvestre, Jean, (November 2006), "Working Brussels and Moscow Between Energetic Partnership and Program Europe in the World", *Serial International Relations, Geopolitics*.
35. Smith, Keith, (3 April 2006 b), "How Dependent Should we be on Russian oil and gas", *Center for Strategic and International Studies*, <http://www.csis.org>